



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۱/۲۳

یونس نگاه

## آسمان مهر و غضب ندارد

سال 2021 وقتی طالبان برگشتند، هر جا اعلام می‌کردند که حاکمیت آنان لطف خدا به حق مردم افغانستان است. فراوانی نسبی شهر و بازمانده‌های امکانات خارجی و دوران جمهوریت، بخصوص ادارات و امکانات پیش‌رفته، برای آنان و نزدیکان‌شان شوک‌آور بود. احتمالاً عده‌ای واقعاً باور کرده بودند که دست آسمان در کار است و دوران فراوانی و سیری در راه خواهد بود.

زمستان همان سال، برف هم بارید. مبلغان و مدیران ارشد طالب که بیشتر در مناطق گرمسیر و پاکستان بهسر برده بودند، از دیدن دامنه‌های برفی کابل لذت بسیار می‌بردند. عده‌ای در همان روزها عکس و ویدیو نشر می‌کردند و برف‌باری را به حاکمیت طالبان و مهر آسمان ارتباط می‌دادند. باز هم شاید عده‌ای از آن مبلغان یا حداقل بخشی از مخاطبان‌شان باور کرده بودند که رخت جمهوریت جمع شده و امارت برگشته، پس خداوند مهربان‌تر شده و پس از این جوی‌ها پر آب خواهند شد و کندها پر از آرد.

طالبان حرکت دهاتی - ملایی است. آن عده طالبانی که در شهرها زندگی کرده‌اند به دلیل فرهنگ حاکم بر مدارس، شهری نشده‌اند. مدارس طالب‌زرا، در واقع حاصل عکس العمل اشرافیت فیودالی (خان و ملا) در برابر تغییرات بورژوازی است. طالبان زندگی بریده از چشمه و باغ و رمه را تصور نمی‌توانند. از این رو بنیادهای شهری زندگی را بی‌رحمانه ویران می‌کنند. مکتب و خدمات و آزادی‌های مدنی، بنیان‌های اصلی اقتصاد و اداره را طالبان به رسمیت نمی‌شناسند. آنچه می‌ماند اقتصاد و فرهنگ روستایی است. این فرهنگ و اقتصاد به آب و باران وابسته است. از این رو باران و خشک‌سالی در دوره طالبان بسیار برجسته و بحث‌برانگیز می‌گردد.

طالبان نمی‌دانند که اگر افغانستان حتی هر سال برف و باران کافی داشته باشد، بدون خدمات و تعلیم و تکنالوجی کشور به رفاه نخواهد رسید. چرا که زراعت چنان می‌کانیزه و محصولات زراعتی در جهان چنان فراوان شده است که با بیل و گاو، و حتی با تراکتور و ابزار ابتدایی ماشینی نمی‌توان آن قدر تولید کرد که رفاه بدست آید.

حال، خشک‌سالی و کمبود آب پاشنه آشیل تبلیغات سیاسی طالبان شده است. باران و برف به قدر کافی نمی‌بارد و طالبان مردم را به دعا و نماز دعوت می‌کنند. جوی‌ها و چشمه‌ها کم‌آب و زراعت ناتوان است. در دوران غیرطالبانی هم خشک‌سالی و کم‌بارانی بود، ولی این قدر برجسته نمی‌شد، چرا که رابطه باران و اداره این قدر زیاد نبود.

آن زمان نه مردم انتظار داشتند که زنان با نشستن در خانه به آسمان در زاپیدن باران کمک کنند، و نه دولت تبلیغ می‌کرد که نان از آسمان می‌آید. کار و تلاش در قانون، اداره و اجتماع تبلیغ می‌شد.

ادامه حاکمیت طالبان بسیار پرهزینه خواهد بود. آنان که بارش آسمان را به رابطه امارت و خداوند نسبت می‌دهند، در بی‌برکتی و بی‌بارانی مسئولیت نمی‌گیرند. اگر قرار شود ملت بپرسد که ملا صاحب چرا در امارت شما باران نمی‌بارد و برف و برکت کجاست؟ جواب ملا این خواهد بود که گناه رعیت مانع باران است، این که زنان از کلکین خانه گاهی کوچه را نگاه می‌کنند یا هنگام خرید سودا ماسک نمی‌پوشند آسمان قهر کرده است. خواهند گفت که به دلیل شوق مردم به مکتب که بدترین گمراهی‌ست، آسمان به غضب شده است.

متأسفانه جمع بزرگی از وطنداران ما هم در محیط طالب‌زده باورشان نمی‌شود که آسمان به امارت و نامارت کاری ندارد. برف و باران به اعمال آدم‌ها وصل نیست. بعد از طالبان در کتاب‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، مقاله‌ها و نشست‌ها باید بسیار آگاهی‌دهی شود که راه سیری و رفاه، کسب دانش و مهارت، کار و ابتکار است. باید رمزوراز طبیعت را بفهمیم تا سنگ و خاک و آب و هوا را به خدمت گیریم. با دعا و زاری باران نمی‌آید.

د پاپو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولی